



صدمات ناشی از بهره‌برداری نفتی در اوگونی لنگه، نیجریه.

یومیان چند

سوفی بخاری *

شرکت‌های چندملیتی که از سرزمین‌های غنی بومیان نقاط مختلف بهره‌برداری می‌کنند دیگر چون گذشته صاحب اختیار بلامنزاع نیستند.

هنگام اعاده حقوق مردم بر منابع عظیم نفت در سرزمین‌شان هستند.

شکل در چارچوب کنسرسیومی با مشارکت دولت نیجریه، بهره‌برداری از منابع نفت اوگونی را در سال ۱۹۵۸ آغاز کرد و طبق گزارش مطبوعات تاکنون ۳۰ میلیارد دلار از این منابع سود برده است. ناظران، حضور ای جهانی کلیساها که در سال ۱۹۹۵ به اوگونی رفته بودند، مشاهده کردند که ساکنان منطقه نه به برق دسترسی دارند، نه به تلفن و نه حتی به خدمات اولیه بهداشتی. وانگهی، محیط زیست منطقه به شدت تخریب شده است. به گفته نمایندگان جنبش‌های اوگونی، شل همچنین دارای روابطی بسیار نزدیک با ارتش بود که اعتراضات مردم را سرکوب می‌کرد. بحران در نوامبر ۱۹۹۵ با دارزدن نه نفر از رهبران اوگونی شامل کن سارو- ویوا، نویسنده، به اوج خود رسید.

بسیج همه‌جانبه

مثال‌هایی از این دست فراوان است. فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی با همدستی مقامات محلی در همه‌جا باعث ویرانی، فساد، تفرقه و مرگ در

ریو تیتسو و مقامات محلی - همچون سوهازتو رئیس جمهوری پیشین - کنترل کامل منطقه‌ای به وسعت بلژیک را در اندونزی در دست دارند که بزرگترین ذخایر طلای جهان و معادن بزرگ مس را دارا است. فعالیت این شرکت‌ها موجب آلودگی رودخانه‌ها، نابودی یکی از دست نخورده‌ترین جنگل‌های ابتدایی جهان و بی‌حرمتی اماکن مذهبی شده است. تاکنون چندین مسافرمان، غیردولتی، اقامت، خشونت‌های وقتش، اندونزی، و او علیه معترضان، به این فعالیت محکوم کرده‌اند.

در کلمبیا حدود ۵۰۰۰ نفر از بومیان یووا (Uwa) به انزوا رفتند. خود نسبت به بهره‌برداری شرکت اوکسیدنتال پترولیوم (Petroleum Occidental): از زمین‌های مقدسشان ادامه می‌دهند. آنان پس از آنکه تهدید کردند به‌طور جمعی خودکشی خواهند کرد، از حمایتی نسبتاً گسترده برخوردار شدند، به نحوی که شرکت شل، از شرکای طرح، اعلام کرد قصد دارد از این کار چشم‌پوشی کند.

شل حالا چون مارگزیده‌ای است که از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد. این شرکت در نیجریه نیز با مقاومت شدید اقوام بومی اوگونی و ایجاو روبه‌رو است. این اقوام خواهان خروج شل از منطقه تا

«تشیخ آنچه به مسر ما آمده آسان نیست. فقط نام ما، «امونگمه»، باقی مانده است. حالا کومه‌ها رودخانه‌ها، جنگل‌ها و هر چیز دیگر متعلق به شرکت فریپورت و متعلق به دولت است. ما دیگر هیچ چیز نداریم.»

این سخنان یک پیرمرد اهل ائیریان جایا (پاپوآزی غربی - اندونزی) که در گزارش یگان سازمان غیردولتی به نام «بقای بین‌المللی» نقل شده است، به اختصار گویای بی‌عدالتی و محرومیتی است که هر میلیون‌ها نفر از مردمان بومی در نقاط مختلف جهان تحمل شده است. براساس گزارش‌های متعدد سازمان‌های مختلف غیردولتی، سازمان ملل، نمایندگان پارلمان اروپا یا سناتورهای آمریکایی، بیش از ۳۰ سال است که این «نخستین» مساکنان سیاره، شاهد آلوده شدن سرزمین‌ها، تخریب اماکن مقدس و صدمه دیدن و مردن نزدیکان‌شان به نام «توسعه»‌ای بوده‌اند که خود در آخرین رده بهره‌برندگان آن قرار داشته‌اند.

به گزارش «بقای بین‌المللی»، شرکت آمریکایی فریپورت مک موران به همراه شرکت انگلیسی

* از نویسندگان پیام یونسکو

اختلافات دیرینه قبیله‌ای شده است که ممکن است گاه به بروز جنگ بینجامد. به‌علاوه، کینه مردم که حاصل ده‌ها سال لگدمال شدن است غالباً شدیدتر از آن است که به‌محض تغییر رویکرد شرکت‌ها، از میان برود.

شرکت‌های چندملیتی هنگامی که از سوی مبارزان حقوق بشر به عدم مخالفت با سرکوبگری و گاه حتی به مشارکت در آن متهم می‌شوند، پشت اصل حاکمیت ملی سنگر می‌گیرند و می‌گویند فقط دولت‌ها حق دارند در مورد مردم‌شان تصمیم‌گیری کنند. برای آنها خصوصاً دشوار است که معاملات‌شان را به دلایل اخلاقی فسخ کنند یا از بخش مهمی از سودهایشان در جهانی مبتنی بر رقابت که در آن سهامداران خواهان کسب حداکثر سود هستند، چشم‌پوشند.

اقدامات نامؤثر

به همین دلیل است که بسیاری از ناظران خواستار ایجاد تشکیلاتی قانونی و قواعدی بین‌المللی برای کنترل فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی شده‌اند. اما اقدامات صورت گرفته در این راستا تاکنون شکست‌خورده یا کم‌اثر بوده

شرکت‌ها را مجبور به مذاکره و سرمایه‌گذاری برای احیای محیط‌زیست کرده‌اند. آنان همچنین برای صدماتی که تحمل کرده‌اند، خواستار دریافت غرامت شده‌اند. البته آنان به ندرت توانسته‌اند همچون اینویت‌ها (Inuits) یا سرخپوستان امریکای شمالی سهمی عادلانه از منافع کسب کنند.

جولیان برگر، عضو کمیساری عالی سازمان ملل برای حقوق بشر، می‌گوید: «شرکت‌های چندملیتی دیگر نمی‌توانند هرچه دلشان بخواهد بکنند». این شرکت‌ها ضررهایسی هنگفت را به‌خاطر خرابکاری‌ها و مقاومت‌های محلی متحمل می‌شوند (شل ناچار شد فعالیت‌هایش را در دلتای نیجر در سال ۱۹۹۳ به حال تعلیق درآورد) و ضررهای بی‌اعتبار شدن در نظر مصرف‌کنندگان در کشورهای شمال احتمالاً حتی بیش از ضررهای نوع اول است.

شرکت شل - نیجر به در پایگاه اینترنتی‌اش، به «مسئولیت» خود در قبال اقوام بومی اقرار و اعلام کرده است که در سال ۱۹۹۷ سی و دو میلیون دلار صرف احداث مدرسه و بیمارستان در این کشور نموده است. شرکت مذکور قبول داده است که «تا پایان قرن، دست‌کم یک پنجم بودجه

سرزمین‌های بومیان شده است. این‌گونه اعمال موجب تحریک حس مبارزه‌جویی بومیان شده است که تعدادشان به حدود ۳۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان می‌رسد. بومیان در دهه ۸۰ شروع به سازمان‌دهی جنبش‌های خود کردند. سازمان ملل نیز با ایجاد یک گروه کاری ویژه در سال ۱۹۸۲، سهم خود را در تقویت شبکه‌های آنان و ظهور ایشان در صحنه بین‌المللی ادا کرد. بیانیه «کاری - اوچا» (پرزیل، ۱۹۹۲) موضع این جنبش‌ها را اختصاراً چنین اعلام می‌کند: «ما بومیان برای تعیین سرنوشت خویش و نسبت به سرزمین‌های اجدادی‌مان دارای حقوقی ذاتی و انکارناپذیر هستیم». آنان خواهان کسب قدرت تصمیم‌گیری در مورد پروژه‌ها، حق مخالفت با آنها و مشارکت در منافع در صورت تأیید آنها هستند.

مبارزات این جنبش‌ها که انعکاس رسانه‌ای وسیعی یافته است، از حمایت بسیاری از سازمان‌های غیردولتی دفاع از حقوق بشر و محیط‌زیست از قبیل عفو بین‌المللی، دیده‌بان حقوق بشر، بقای بین‌المللی، دوستان زمین، دیده‌بان معدن و غیره برخوردار شده است. به محض آنکه یک شرکت بزرگ به فعالیتی در یک

و شرکت‌های ملیتی

است. مرکزی که سازمان ملل در سال ۱۹۷۴ برای تعیین حقوق و مسئولیت‌های شرکت‌های چندملیتی ایجاد کرد، در سال ۱۹۹۳ منحل شد و رهنمودهایی که سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) و سازمان بین‌المللی کار (ILO) در این زمینه اعلام کرده‌اند، الزام‌آور نیستند.

تازه‌ترین اقدام در این جهت، قطعنامه‌ای است که پارلمان اروپا امسال در مورد نظارت بر فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی اروپا صادر کرد. این قطعنامه خصوصاً خواستار برگزاری نشست‌هایی عمومی و مطبوعاتی از ژوئن ۱۹۹۹ شده است که در آنها افراد، سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌ها و مؤسسات بتوانند شکایت‌هایشان را مطرح سازند.

ریچارد هوویت، عضو پارلمان اروپا و تهیه‌کننده قطعنامه می‌گوید: «اکثر قواعد حسن رفتار موجود بیش از کاغذی که روی آن نوشته شده‌اند، نمی‌ارزند، زیرا هیچ‌گاه به اجرا در نمی‌آیند. ما خواستار نظارت بر شرکت‌های اروپایی هستیم تا بینیم قواعد بین‌المللی را در مورد محیط‌زیست، حقوق بشر و حقوق کار به‌ویژه در ارتباط با مردمان بومی چه اندازه رعایت می‌کنند. بسیاری از گروه‌های بومی در خطر انقراض هستند و متأسفانه شرکت‌های اروپایی در ایجاد این خطر سهیم بوده‌اند.»

خود» را صرف احیای محیط‌زیست منطقه خواهد کرد. همان سال، شرکت فریبورت یک درصد از درآمد‌هایش را در اندونزی در برنامه‌های توسعه ایران جایا سرمایه‌گذاری کرد. شرکت‌های چندملیتی پس از پذیرش

اکثر حسن رفتار موجود بیش از کاغذی که روی آن نوشته شده اند، نمی‌ارزند، زیرا هیچ‌گاه به اجرا در نمی‌آیند.

برنامه‌های حفظ محیط‌زیست و سرمایه‌گذاری در تأسیسات «تمیزتر»، اینک به‌نحوی فزاینده به حمایت از برنامه‌های دفاع از حقوق بشر ابراز تمایل می‌کنند. اما به گفته آنها، این مسئله در منطقه با موانع مهمی روبه‌رو است، زیرا رهبران منطقه‌ای، قومی و نظامی بیشتر در اندیشه منافع شخصی خود هستند تا منافع مردمان محلی.

به گفته مسئولان فریبورت در اندونزی، نخستین مبالغ بزرگی که آنان برای ایجاد یک صندوق توسعه اختصاص دادند، توسط یکی از مقامات دولتی در محل به سرقت رفت. مسئله تقسیم این ثروت نامنتظر نیز خود موجب احیای

سرزمین بومی دست‌بزند، انبوهی از پایگاه‌های اینترنتی به گزارش کردن اقدامات آن می‌پردازند. سپس آذمان عمومی در کشورهای شمال واکنش نشان می‌دهد: در غالب موارد، مراکز این شرکت‌ها اشغال و کالاهایی تحریم می‌شوند.

این بسیج همه‌جانبه نتیجه‌بخش بوده است. اقوام بومی مدت‌ها در نظر دولت‌هایشان موانع توسعه بوده‌اند که بایستی در صورت امکان در جامعه ادغام و در غیر این صورت نابود شوند. اما این مردمان حالا در برخی کشورها چون دانمارک، امریکا، کانادا و استرالیا شهروندانی تمام عیار تلقی می‌شوند که بر سرزمین‌هایشان حق حاکمیت دارند. آنها در فیلیپین مشغول مذاکره برای کنترل پروژه‌های معدنی هستند. در چند کشور امریکای لاتین قانون اساسی به نفع آنان مورد بازنگری قرار گرفته است، بومیان برای توسعه دستاوردهایشان، بی‌صبرانه در انتظار بیانیه سازمان ملل در خصوص حقوق بومیان هستند که قرار است پیش از پایان دهه ویژه سازمان ملل برای بومیان (۱۹۹۵-۲۰۰۴) تصویب شود.

آنها می‌توانند به کسب پیروزی‌هایی، هرچند کوچک، بر شرکت‌های چندملیتی افتخار کنند. آنها اخیراً توانسته‌اند برخی شرکت‌های بزرگ را به چشم‌پوشی از پروژه‌هایشان و ادار سازند که شرکت موبیل در پرو از آن جمله است. آنان در مواردی